

نویسنده : طارق علی (Tariq Ali) .

منبع و تاریخ نشر : کونتر پونچ (2011-11-28).

مترجم : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

ناتو در مقابل پاکستان

تهاجم روز یکشنبه قوت‌های نظامی ناتو بالای مناطق سرحدی نزدیک به مرز بین افغانستان و پاکستان را که به دنبال خود (۲۴) سرباز پاکستانی کشته به جا گذاشت، میتوان یک تهاجم عمدی پنداشت. چون قوماندانان ناتو از مدت‌ها قبل این ساحه را به روی نقشه و یا خریطه نشانی کرده بودند که در تصرف ارتش پاکستانیها قرار دارد.

آنها میدانستند که همین پایگاه نظامی مرزیست که دائماً از جانب پاکستان فیرهایی به داخل خاک افغانستان (در توضیح به طرح سوالات ناتو از فیر و انداختهای منسوبین نظامی خویش، دولت پاکستان طرفه رفته گاهی از جانب مقابل معذرت خواسته و گاهی به شدت انکار نموده است) صورت میگیرد.

مطابق به توضیحات مطبوعات محلی، بدون در نظر داشت آنکه نظامیان پاکستان به حاکمیت ملی پاکستان احترام گذارند با همچو اعمال نا بخردانه عمداً به این حاکمیت لطمه وارد مینماید و آن این که به انداختهای انواع مرمیها ادامه داده و دامنه خصومت را در منطقه هر چه گسترده تر ساخته اند. قابل تذکر است که جنرالان، سردمداران و سیاست مداران پاکستانی از مدت‌ها قبل حاکمیت این سرزمین را بالای دیگران فروخته اند و اکنون به طور آشکار و بدون دغدغه در منطقه خشونت را دامن میزنند و به حملات سبیعانه و وحشیگرانه شان منطقه را نا امن میسازند. آنها تحت نام «حفظ حاکمیت ملی پاکستان» به همچو اقدامات دست میزنند که فوق العاده قابل تشویش و نگران کننده می باشد.

جانب پاکستان در تلافی به حمله ناتو راه انتقالات کاروانهای ناتو را (که ۴۵ فیصد مهمات نظامی مربوط به قوت‌های ناتو از همین راه انتقال می یابد) به افغانستان مسدود ساخت.

آنها از مقامات ایالات متحده امریکا خواستند که هر چه زودتر پایگاه شمسی را که آن پایگاه را برای پرواز های طیارات بدون سرنشین - غرض نظارت بر هر دو یعنی پاکستان و افغانستان اعمار نموده بود - تخلیه نماید و از خاک پاکستان خارج گردند. پایگاهی که اعمار آنرا پاکستان به صورت قانونی و مرموز به غرض اهداف نظامی ایالات متحده امریکا اجازه داده بود!

قابل تذکر است که قبلاً زمین این پایگاه را پاکستان برای امارات عربی - کشوری که حاکمیت آن نسبت به پاکستان بیشتر قابل انعطاف میباشد - به اجاره داده بود. انگیزه حمله و یورش ناتو تا هنوز مرموز و پوشیده باقی مانده ولی پیامد آن به همه روشن و آشکار گردید که این خود زمینه انشعاب و دو دسته گی را در ارتش پاکستان مساعد خواهد ساخت و به تضعیف رژیم زرداری خواهد افزود. از جانب دیگر به نیروهای مذهبی افراط گرای موجود در پاکستان، به غرض هر چه منفور ساختن ایالات متحده امریکا در منطقه نیروی بیشتر خواهد بخشید.

پس سوال این است که پاکستان چرا به همچو اقدامات دست میزند؟ چرا به همچو دسایس و توطیه ها تمایل بیشتر دارد؟ آیا رئیس جمهور «اوباما» جداً میخواهد که این کشور را از راه درگیری جنگ داخلی کتک زند؟

برخی از مفسرین سیاسی در اسلام آباد در حال مشاجره اند و آن این که اشغال پاکستان را توسط نیروهای ناتو غیر محتمل میدانند و از جانبی این را نیز غیر محتمل میدانند که امپریالزم از منافع خود در منطقه صرف نظر نمی نماید و یا شاید که این یورش ناتو را بر پاسگاه پاکستان به غرض گوشمالی ارتش پاکستان در تلافی حملات نیروهای افراطی تحت زعامت حقانی که بالای سفارت ایالات متحده امریکا در منطقه سبز واقع در کابل صورت گرفت واکنشی باشد. حمله ناتو را میتوان به بحران رخداد دیگری نیز توجیه کرد و آن این که یکی از خویشاوندان خانم زرداری شخص خود سر و سر زور در واشنگتن به نام حسین حقانی است، شخصی که با سازمان اطلاعاتی (CIA) ایالات متحده امریکا از سال «۱۹۷۰» در ارتباط بود و سازمان سیاه او را به حیث عضو رابط اش به کار می برد و آقای زرداری او را به حیث سفیر دولت اش در پاکستان گماریده بود. او را درین اواخر تحت فشار قرار دادند که از سمت اش استعفا نماید، به تهمت آین که او اکثراً به سفارت امریکا در پاکستان گزارشات نادرست را ارجاع

می‌کرد و بالای او این ادعا نیز صورت گرفته بود که او از منصور اعجاز یکی از مولتی میلیونرهای که با وزارت دفاع ایالات متحده ارتباط برقرار نموده بود از او خواسته که پیغام اش را به ادمیرال میک مولن طور شفاهی برساند. پیامی که در آن خواستار آن شده بود که در تضاد با ارتش پاکستان شبکه گروه حقانی افراط گرا را از هم بپاشد و آی اس آی پاکستان را از تمام دستورالعملها و راهنماییهای خود محروم سازد.

مولین از توصل هرگونه پیغام در وهله اول انکار می نماید و آنرا بکلی رد می نماید که این خود یک تناقض قابل ملاحظه نظامی چیزی بیش نیست. به خصوص هنگامیکه میک مولن داستان را اینطور تغییر میدهد، او میگوید که: برای من یک پیام مواصلت کرده بود ولی من آنرا نادیده پنداشتم وقتی که آی اس آی به کشف این اسرار - به زعم خودش خاینانه - دسترسی پیدا می کند چنین می انگارد که آقای حقانی در تحت دستورات آقای زرداری به همچو فعالیتهای ضد پاکستانی فعالیت می نماید و از تفصیل متن داستان سازمان اطلاعاتی پاکستان صرف نظر می نمایند ولی رئیس آی اس آی آقای پاچا به غرض روشن شدن موضوع با آقای اعجاز ملاقات مینماید و همان وسیله ضبط داستان را به او میدهد و به ارتباط موضوع صحبت مینمایند و روی همین دلیل حقانی دیگر راهی نداشت به جز این که از سمت اش کنار رود. تقاضای برای محاکمه و یا اعدام اش (هم زمانی هردو موضوع به نسبت تداخل قوانین نظامی میباشد) فزونی گرفته است زرداری از او حمایت می نماید و اکنون ناتو در نزاع شامل گردید است که این داستان تاحال پایان نیافته است ختم

تبصره مترجم: همه میدانیم که رژیم کابل در غیر وابسته گی و پیوند با مردم و به خدمت گذاری به جنرالان آی اس آی پاکستانی به خصوص این جنرال نمای پاکستانی رحیم وردک نماینده آی اس آی که در خدمت گذاری به آن سازمان به غرض انهدام بند سروبی پای خود را معیوب ساخت با جمع سایر جاسوسان پاکستانی مهر به لب زده و از تمامیت خاک مقدس افغان نه تنها که دفاع نمی نمایند بلکه به جنرالان مفسد پاکستانی اجازه میدهند که در خاک افغانستان پُسته ها و پاسگاه اعمار نماید و از آنجا بالای افغانها تیراندازی نمایند.

اگر به حوادث و رُخداد های سپری شده توجه صورت گیرد چنین میتوان گفت که همین پاسگاه مرزی که تحت یورش نیروهای ناتو قرار گرفت محلی است که به قرار گفته بی رئیس قبایل وخت این منطقه طور تحفه از جانب والی زمان دوره انتقالی حامد کرزی برادر مشرف

و زرداری و گیلانی پاکستانی عطا گردیده است. بنا بر آن اگر این دولت و یا رژیم کابل بالای مردم خود تکیه میداشت باید طی یک اعلامیه رسمی اعلام میداشت که پاکستان به حیث یک تجاوز گر در داخل خاک افغانستان به اعمار پاسگاهها پرداخته که یکی از همین پاسگاهها همین پاسگاهی است که مورد یورش ناتو قرار گرفته است و از راپورها چنین بر آمده است که طرفداران شبکه حقانی با ارتش پاکستان یکجا درین پاسگاه حملات شان را علیه مردم افغانستان سازماندهی میکردند.

این پاکستان است که در خاک افغانستان هم پُسته می سازد و هم افغانهای آن طرف خط دیورند را طعمه توپهای ناتو میسازد و هم در بدل هر جسد افغان بیچاره از امریکا دالر میستاند و هم حامد کرزی را به نجوا وزاری وامیدارد که در کنفرانس بُن برادر جان حتماً باید وزیر خارجه اش حنا گیلانی را اعزام بدارید. پس ای هموطن خود قضاوت بنما که آیا این رژیم، یک رژیم افغانی است و یا رژیم فروخته شده و در خدمت بیگانه گان ؟

درمورد نویسنده این مقاله : طارق علی در (۲۱) اکتوبر سال « ۱۹۴۳ » بدنیا آمده، او یک تاریخ نگار، رمان نویس، فلم ساز و فعال سیاسی چپ گرای بریتانیا یی پاکستانی میباشد و هم یکی از اعضای هیات ویراستاران مجله نیولیفتم ربیو و کونتر پونچ میباشد.